

## زنان و انتخابات فرمایشی

الف. اناهیتا

در جریان انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، ۹۸ زن نامزد شدند، اما شورای نگهبان همگی آنان را به دلیل جنسیت و زن بودنشان فاقد صلاحیت شناخت. بدین ترتیب، انتخابات کذایی در میان مانورهای فریبکارانه و تبلیغات گسترده جناحهای حکومتی از یکطرف و انفجار بمب در نقاط مختلف ایران که بیشترین قربانیان آن زنان و کودکان بودند از طرف دیگر، در هاله ای از سرکوب خشن، بی عدالتی، فقر و بحرانهای فزاینده اجتماعی و تبعیض جنسی برگزار شد.

بر اساس آمارهای موجود، بیش از نیمی از جمعیت کشورمان را زنان تشکیل می دهند. سلب صلاحیت نامزدهای انتخاباتی زن توسط شورای نگهبان بیانگر نگرش جنسیتی کاملاً عقب افتاده سران حاکمیت می باشد. رژیم با تصویب قوانین ارتجاعی تلاش کرده است زنان را در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی از مردان جدا کند. امری که به طور مسلم تنها اهداف زن ستیزانه را دنبال نمی کند بلکه، حفظ حاکمیت ارتجاع و جلوگیری از تحقق دموکراسی در جامعه را نیز نشانه گرفته است.

تغییرات بزرگ اجتماعی بدون خمیر مایه نیروی زنان غیر ممکن است. ترقی و پیشرفت در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری یک جامعه دقیقاً با جایگاه اجتماعی این زنان اندازه گیری می شود.

حرکتهای اعتراضی مردم در هفته های اخیر، مکان ویژه ای در اخبار خبرگزاریهای جهان را به خود اختصاص داد، یکی از مهمترین آنان، تجمع روز یکشنبه بیست و دوم خرداد ماه زنان میهنمان در مقابل دانشگاه تهران در راستای طرد قوانین ضد دموکراتیک و ارتجاعی بود که در حقیقت میانی فکری و سیاسی ارتجاع حاکم را نشانه گرفت و بر ضرورت تغییر بنیادین ساختار سیاسی صحنه گذاشت.

به گزارش روزنامه ایندپندنت، صداها زن ایرانی در مقابل دانشگاه تهران علیه تبعیض جنسی شعار دادند و انتخابات آتی ریاست جمهوری را تحریم کردند. آنان در جریان حمله نیروهای سرکوبگر رژیم برای دستگیری چندین شرکت کننده فریاد برآوردند: "خجالت، خجالت" و شعار دادند: "سرنگون باد دیکتاتوری"

بر اساس این گزارش، خانم فرنگیس رفعتی در حالیکه که پرچم تشکل زنان کرد را در دست داشت می گوید: "من این جا آمده ام تا از حقوق زنان دفاع کنم زیرا این افراد همیشه حقوق ما را زیر پا گذاشته اند... تمام نامزدهای این انتخابات یک حرف می زنند زیرا همگی از یک ماهیت برخوردارند. هیچ تفاوتی ندارد که ما در این انتخابات شرکت کنیم یا نکنیم زیرا آنان در هر حال یکی را از میان خودشان انتخاب می کنند."

خانم دیگری به نام سهیلا بسکی می گوید که نامزدهای ریاست جمهوری در رابطه با حقوق شهروندی صحبت می کنند اما بر خلاف گفته هایشان، تاکنون هیچ اصلاحاتی پیرامون حقوق زنان صورت نگرفته است. خانم سهیلا بسکی، نگارنده و ناشر ادامه می دهد: "من همیشه رای می دادم اما این بار در انتخابات شرکت نخواهم کرد."

دانشجوی خبرنگاری، خانم شفیق خانبانی ابراز می دارد: "ما علیه مردان نیستیم، ما حق خودمان را می خواهیم ... ما خواستار احترام گذاشتن و رعایت حقوق همه مردم هستیم و چون این مساله رعایت نمی شود، دست به اعتراض زده ایم."

خانم سالمندی گریه کنان ابراز می دارد که قصد پیوستن به تجمع را داشته که توسط ماموران مورد کتک و آزار قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، عده ای در سوی دیگر خیابان شعراهایی مبنی بر تحریم انتخابات ریاست جمهوری و علیه هشت نامزد انتخاباتی که توسط شورای نگهبان مجاز شناخته شده اند، می دادند.

بر اساس گزارش دنور پست، سیزدهم ژوئیه، عده ای از زنان توسط ماموران پلیس دستگیر شده و با ماشین ماموران از محوطه تجمع به مقصد نامعلومی برده شده اند. نیروهای پلیس همچنین با ضرب و شتم مردم با باتون، مانع پیوستن آنان به تجمع زنان شده اند. بیش از دویست و پنجاه زن و مرد که قصد پیوستن به تجمع اعتراضی زنان را داشتند، با توسل به زور متفرق شدند. خیابانهای اطراف میدان انقلاب توسط ماشین بسته شده است تا بدین طریق، مانع پیوستن مردم به تجمع زنان شوند. بر اساس گزارش شاهدان عینی، دست کم یک نفر دستگیر و ده نفر به شدت با ضربات باتون مجروح شده اند.

نگاهی گذرا به تاریخ جنبشهای معاصر میهنمان گواهی می دهد که زنان مبارز و پیشرو ایرانی همواره در مبارزه علیه

تبعیض جنسی و برای استقرار دموکراسی، برابری و عدالت اجتماعی حضور گسترده ای داشته اند و نقش مهمی در تغییر ساختارهای اجتماعی ایفا کرده اند. آنان همزمان، با تاریخ مردسالار، تاریخی

توام با نابرابری جنسی، جهل و قید و بندهای کشنده مذهبی و زن ستیزانه که در تار و پود زندگی خانوادگی و فرهنگی تنیده شده است، به نبرد پرداخته اند. در این مسیر، زنان بارها به خاطر انتخاب رهایی در مقابل بندگی و خرد در مقابل جهل، شکنجه شده، چوبه دار را بوسه زده یا بر سکوی تکفیر ایستاده اند. اما به رغم این مبارزه و پیکار، به دلیل ساختار حاکمیت سیاسی قرون وسطایی حاکم نتوانسته اند جایگاه واقعی و شایسته خود را در روند تصمیم گیری داشته باشند. از زمان استقرار ساختار دیکتاتوری مذهبی ولایت فقیه بر میهن ما، زنان تلاش کرده اند علیه تصویب قوانین ارتجاعی که زنان را شرعاً موجودی نصف مرد و "برده خانگی" محسوب می کند، به مبارزه بپردازند. از آنجا که در حرکتیهای کمی جوانه حرکتیهای کیفی وجود دارد، پایوران رژیم تجلی اولین جوانه های کیفی این جنبش را در مقابل دانشگاه تهران دقیقاً قبل از انتخابات فرمایشی، لمس کردند.

حرکت اخیر زنان، یک "نه" بزرگ به انتخابات فرمایشی بود و همزمان، آگاهی زنان از فریبکاریهای یک جناح رژیم را به نمایش گذاشت. این جناح تلاش می کند مسایل زنان را در چارچوب مسایلی فرهنگی و نه سیاسی و کاملاً زنانه بگنجانند تا از سیاسی شدن جنبش زنان جلوگیری کنند. زنان در حرکت اخیر، کل حاکمیت را به چالش کشیدند و نشان دادند که حقوق زنان قبل از این که حقوقی صنفی باشد، حقوقی سیاسی است و نقض حقوق زنان در ایران ریشه در ساختار سیاسی و فرهنگی رجال طبقه حاکم دارد.

برخی نامزد های رژیم تلاش کردند با توسل به فریبکاریهای کهنه ای همچون دفاع بی پایه از حقوق زنان و انتخاب زن به عنوان دستیار، آرای زنان را به خود اختصاص دهند اما از آنجا که زنان هشت سال ریاست جمهوری خاتمی را تجربه کرده اند، دیگر بار گول قول و قرارهای بی اساس را نخواهند خورد. حرکت اخیر نشان داد



که جنبش زنان میهن ما سلاهست که با کسب تجربیات پی در پی راه خود را از تمامی دسته بندی های رژیم جدا کرده و در تلاش پی ریزی جنبشی مستقل در راستای استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی است و راه حل برون رفت از بحرانهای عمیق اجتماعی و رهایی یافتن از ستم ظالمانه بر زنان را نه در "آرامش فعال" بلکه، در هر چه رادیکال تر کردن جنبش اجتماعی مردم ایران، جستجو می کند.

تصور رسیدن به یک ساختار سیاسی دموکراتیک که به حقوق شهروندی و حقوق زنان احترام بگذارد و آن هم در روندی متکی به نصیحت و مذاکرات مخفی پشت پرده و زد و بندهای "خودی" ها، در چارچوب رژیم استبدادی که اساس حیاتش بر سرکوب خشن آزادی اندیشه قرار گرفته چیزی جز خیال باطل نیست.

از آنجا که مساله ستم بر زنان یا مسایل طبقاتی گره خورده است، هیچ کدام از نامزدهای انتخابات فرمایشی راهکاری عملی و علمی برای حل پدیده های ناشی از سیاستهای زن ستیزانه "نظام" و از آن جمله حق طلاق، بحران بیکاری، قتل‌های ناموسی، تن فروشی و فرار دختران و ... ارایه نمی دهند؛ زیرا اصولاً چنین راهکارهایی با منافع طبقاتی آنان سازگار نیست و نخواهد بود. مسلمانان تحقیر زنان یک کانون محوری بربریت دیکتاتوری مذهبی حاکم را تشکیل می دهد. رفع تبعیض جنسی در ساختاری که ولایت فقیه، مظهر استبداد فردی و مذهبی، در شریانش جاریست و تصمیم گیرنده مطلق است، ممکن نخواهد بود.

حرکت اخیر زنان نشان داد که جنبش زنان با ایجاد تشکلهایی مستقل و جدا از زد و بند های درونی رژیم، حول یک محور گرد آمده تا برای مطالبات دموکراتیک خود مبارزه کند. تلاش مردم برای پیوستن به تجمع اعتراضی زنان بیانگر هوشیاری مردم ایران در شرایط سیاسی بسیار پیچیده کنونی

بقیه در صفحه ۱۳